



پس آنچه برای من اهمیت دارد یادگیری، جذابیت و لذتبخش بودن ادبیات است و اصلا به خودم اجازه نمی‌دهم که بگویم زهم زمان است یا تفکر یا سوال کردن و... اینها از دید من یک واحد منسجم هستند. البته یک زبان‌شناس حق دارد از زاویه زبان‌شناسی به ادبیات بپردازد و یک جامعه‌شناس هم از زاویه جامعه‌شناسی ولی من تفکیک قایل نیستم.

✎ **از مفهوم «کلاسیک»برداشت‌های مختلفی وجود دارد، کلاسیک به معنی سنتنی و آنچه مربوط به گذشته است و دیگری برداشتی که از آثار شما هم وجود دارد به این مفهوم**

که در تاریخ ثبت شده.از سبویی متفکرانی مثل آگامبن معتقدند که معاصر واقعی کسی است که به تمامی هم‌آیند با زمانه خود نیست. بر این اساس یک اثر کلاسیک با چنین خصلتی معاصر حقیقی است،به این دلیل که ناپه‌نگام بوده‌و هست. شما برای اثر کلاسیک چه تعریفی قایلید؟

من تعریف بلد نیستم. چون واقعا ذهن علمی ندارم. وقتی می‌گویند یک نویسنده کلاسیک شده این درواقع اعتباری است که آن شخص و آثارش کسب کرده و می‌گویند آثار او جزو تاریخ ادبیات شـد. یعنی به طور متقن یا نسبتا متقن در کنار نویسندگانی قرار گرفت که به آنها ارجاع داده می‌شود. چرا من بعد از ۷۰۰سال سعدی را برای شما می‌خوانم؟ این را در این معنا می‌فهمم که آن اثر با تاریخ حرکت کرده و باقی ماند و چنان مهم است که باید نگهداری می‌شد.فرض کنید در هزار سال گذشته نثر فارسی شامل هزاران کتاب بوده ولی هماغا مثل گلستان سعدی یا سفرنامه ناصر خسرو و کیمیای سعادت باقی نمانده.از بین این آثار ما به انتهایی کلاسیک می‌گوییم که از صافی قضاوت عام و خاص گذشته، پذیرفته و نگهداری شده.این تعیر من است.اما با نظر آن فیلسوف:آگامبن که گفتید مواضع چون همان جور می‌فهمم ادبیات را نه مگر بسیار از آثار کلاسیک به دوره جدید فراخوانده و اقتباس می‌شود از آنها؟ اتفاقی که در آینده بسیار تر خواهد شد، چنانچه کماکان ویلیام شکسپیر تاج و تئاتر و سینمای متفاوت جهان است.

✎ **شما به این نظر که نثر و زبان ادبیات کلاسیک نمی‌شود رمان مدرن نوشت، اعتقاد ندارید؟**

اول اینکه باور ندارم چنین احکامی جایی یا از جانب کسی صادر شده باشد و اگر شده، سخنی از سر آگاهی باشد، چون بیان کلیتی به عنوان نثر و زبان کلاسیک به میزان کلی بودنش مبهم نیز هست و ممکن است پرسیده شود منظور گوینده چه بوده؟ دیگر از آن، چه کسی چنین پیشنهادی در رمان‌نویس داده؟ مگر من چنین حرفی زدم؟ هر پمندی از زبان یک کار است و تقلید از زبان یک کار دیگر. تازه، چه کسی گفت که ادبیات قدیم ما یک گونه است؟ در آن آثار هم هر نویسنده‌ای شیوه خود را دارد. مثلا که آنجا که من در سیر و گشت‌هایم به آن رسیدم و از اهل نظر دریافته‌ام مصوع‌ترین نوع نثر در ادبیات گذشته ما سعدی است. بقیایش از ۳۰۰ سال قبل از سعدی بمصادگی نزدیک‌تر است منتها چون نحو آن حرف زدن متفاوت است، افراد می‌گویند آن نثر را نمی‌شود خواند و به کار گرفته. مگر کسی آن نثرها را به کار برده؟ مگر کسی ادبیه آن نثرها را تقلید کرده؟ افرادی که چنین قضاوتی می‌کنند پیداست که با زبان آشنایی کم دارند. زبان، زبان مادری است و در هر دورای یک بیانی پیدا می‌کند. طبیعی‌ترین بایش همان است که از رودکی آغاز می‌شود و به گمانم تا قبل از سعدی به پایان می‌رسد و در سعدی کاملا

همزمان شد، با رفتن بسیاری از نویسندگان از کشور، و به این ترتیب مسیر ادبیات نسبتا پیوسته از مراد ۲۲ به این‌سو، دچار نوعی فترت شد. فترتی که از سال ۱۳۵۰ تا ده سال بعد از جنگ، یعنی ۲۰سال طول کشید و بعد از آن فترت ۲۰ساله آنچه به جامعه ادبی ما تزریق شد تئوری‌های ادبی بود و این تئوری‌ها هم بدیهی است که از غرب پیشرفته و متجدد می‌آمد، و تا به این جا برسد احتمالا کهنه شده بود و این جابج می‌شد بی‌آنکه به پیشینه چنان نظریاتی رداخته شود، و جاذبهای داشت البته که ممکن بود شخص را از اصل و طبعها از خودش دور کند.

✎ **یعنی شما تئوری را مغل ادبیات می‌دانید؟**

نه. من هم تئوری نویسنده همان کاری را بکند که گذشتگان کرده‌اند الا زنده‌یاد گلشیری در «حدیث مرده برادر کردن آن سوار که خواهد آمد» گلشیری هم می‌خواست به امروز‌ها بگوید که من در نثر کهن فارسی آن قدر تسلط دارم که می‌توانم کتابی بنویسم که شما فکر کنید ۷۰۰سال پیش نوشته شده و به نظر من کارش از این جهت بی‌نظیر بود که همه بدانند یک نویسنده ایرانی که مدعی مدرنیسم در ادبیات معاصر است چنین توانایی‌هایی هم دارد و اگر به کار نبرده، نیازی نبوده، اینجا می‌خواهد همچون افرادی بر هنر نویسندگی خود در دوره ما به کار ببرد. چنانچه احتمالا آگامبن من همیشه نثر اکنونی گلشیری را به عنوان نمونه نثر پاکیزه پیشنهاد دادم. گلشیری داعیه مدرن بودن داشت اما باید توجه داشت که آن نثر پاکیزه‌اش از همان زبان ۴۰۰،۳۰۰ ساله می‌آید.

✎ **در جایی از نون نوشتن گفته‌اید روشنفکران سعی می‌کنند نویسنده را از دانش جدا کنند. به نظر تان روشنفکر و نویسنده‌معامله‌الجمع هستند؟**

نمی‌دانم گفت‌ام روشنفکران یا جامعه روشنفکری یا؟ اما نویسنده می‌تواند روشنفکر باشد، می‌تواند هم نباشد. اما اینکه گفت‌ام می‌خواهند نویسنده را از دانش جدا کنند نظرم هم به گذشته و هم به زمان اکنون بوده است. اما لامرأش این است که ابتدا بدیزیریم هر نویسنده‌ای در هر کجای دنیا «خود» ی به خصوص به خود دارد، اصطلاحش هم «ردیت» است، به این ترتیب هر آن چه بر «فردیت» نویسنده بخواهد تحمیل بشود، امری غرضی ست. ضمنا نگفتم‌ام روشنفکران، بلکه جامعه‌ای که معمولا محدوده محیط نویسنده هست، مورد نظرم بوده و می‌باشد. شاید هم اصطلاح کرده‌ام جریان. در گذشته همه کوشش روندگان مسیر اصطلاحا چاپ این بود که اشخاص و از جمله مرا به نحوی توی فضای انقلابی‌گری ادبی ببرند و من باید مقاومت می‌کردم. چون اگر تحت‌تاثیر قرار می‌گرفتم از ذات کارم جدا می‌شدم. در تقابل چنان تلقین‌هایی «موقعیت کلی هنر و ادبیات» را نوشتیم و سخن گفتیم در دانشکده پزشکی، سالن بوعلی سینما. در دوره جدید هم مویج در حوزه ادبیات پدید آمد که مدعی مدرنیسمی بود که درک نشده بود. اینجا هم تلاش‌شان به نحوی متوجه این بود که اشخاص را از سوی دیگر از ذات خود جدا کنند در حالی که هر نویسنده‌ای برای خودش مبدا و مسیری قابل است و اگر از آن مبدا و مسیر پرت یفتند به تصنع دچار می‌شوند، وقتی هم که دچار تصنع شد، به نظر من بهتر است خداحافظی کند. اگر من زمانی حوصله می‌کردم و زندگینامه‌ام را بنویسم متوجه می‌شدید که آن کجاست می‌آید و چرا؟ ولی در همان زمان آدم‌ها بدون اینکه متوجه باشند چه می‌گویند، تا به تن می‌رسیدند سببویلت به رخت می‌کشیدند و تو را به مرده می‌بودن دعوت می‌کردند. یکبار دست یکی‌شان را گرفتم و گفتم ببین آقایان، اگر مرده‌ی بودن و مردم بودن از نظر شما یک فرض نیست و یک واقعیت فیم شده است به این زندگی و به من نگاه کنید و بروید پی کارتان؛ من که نمی‌توانم از خودم خودم‌تر بشوم. بار دوم و این بار همانطور که گفتم ظاهرا مدرنیست‌ها به وجه برهان خلف، سعی کردند اشخاص را از ذات خود جدا کنند و این بعد از انقلاب بود و به خصوص دوره جنگ و بعد از آن بود که موج تازه‌ای از تئوری‌ها ترجمه شد با نشریات پر و پیمان- احتمالا- دولتی کمک. و

ادبیات ایران

اقتصاددان نیست که از من چنین سوالی می‌کنید؟ گفت حالا یک جوابی بدهید. گفتیم اگر هم این ساده‌لوحی را داشته باشیم که سوال اول شما را جواب بدهم، جواب سوال دوم را چه کنم؟ سوال دوم را به دیگر نمی‌توانم جواب بدهم!ا به این ترتیب در نظر من یک روشنفکر باید درباره اقتصاد مملکتش، درباره تاریخ مملکتش، درباره آنچه در دنیا می‌گذرد، درباره همین لحظه، درباره سیاست، درباره همه اینها دانایی داشته باشد و برای داشتن این مشخصه باید درون جامعه و مجال قوام گرفتن پیدا نکرده و گرنه ما هم می‌توانستیم روشنفکر داشته باشیم. شنیدم‌ام ۶۰ هزار مغز برجسته از هموطنان ما در کشورهای دیگر کار می‌کنند. از میان آنها باید روشنفکران معاصر ما هم می‌بودند در عرصه‌های گوناگون. اما متأسفانه اینجا نیستند؛ به همین سادگی! به هر حال نویسنده، الزاما روشنفکر نیست ولی می‌تواند در جاهایی و در نسبت‌های دانایی‌اش به اصطلاح روشنفکر باشد و در جاهایی هم نباشد.

✎ **اما وقتی میان سینماگران یا اهالی تئاتر می‌روید- جدا از اینکه در گذشته کار تئاتر و سینما هم کرده‌اید- حضور تان در این عرصه‌ها، حضوری فراتر از یک شهروند است. مثلا گفته‌ها مواضع اخیر تان در حوزه سینما از جایگاه یک شهروند است؟**

خب سینما و تئاتر درحقیقت به نوعی به من مربوط می‌شوند. ولی آیا دیداید که من درباره نقاشی اظهارنظر کنم؟ سینما، جزو عشق‌های من بوده که البته تبدیل شده به ضد خودش. پس اگر من گاهی در زمینه سینما حرفی می‌زنم برای این است که واقعا احساس می‌کنم از یک عشق، ضد خودش یاد می‌کنم. اگر تئاتر می‌روم و بچه‌های تئاتر به من لطف دارند برای این است که آنها می‌دانند من بهترین ابرام عمر را در تئاتر گذراندم و تئاتر واقعا قلب زندگی‌ام بوده.

ولی آیا من هرگز راجع به جسم‌سازی حرفی زده‌ام؟ درباره اقتصاد حرفی زده‌ام؟ از این جهات من واقعا پیاده هستم و اصلا هم با خودم تعارف نمی‌کنم. نمی‌دانم در همان کتاب «نون نوشتن» چند بار راجع به جهل خودم ذغان کرده و نوشته‌ام. این را هم بگویم که نسبت به جشن خانه سینما در جاهایی اشتباه کرده‌ام. این بار که به جشن خانه سینما رفته به احترام زحمت آقای اصغر فرهادی و فیلم او رفته و بعد متوجه شده نوع برخورد مجموعه‌ای که آنجا را اداره می‌کنند تفاوت می‌کرد با لحظاتی که از من دعوت کرده بود. و خیلی از این بابت متأسفم. چون معتقدم عدالت من نباید قربانی شود. البته چیزهایی یاد گرفتم، ولی چقدر باید از این چیزها یاد بگیرم؟ البته همچنان باور دارم که همه آدم‌های واقعی این جامعه چنان که در فیلم فرهادی نمایش داده شده‌اند، نباید باشند. روزهای همیشه یاد باشد!اگر چه شخصا چنان تجربه‌هایی را از سر گذرانیده‌ام و صد بار سخیف‌تر. این را هم بگویم که وقتی من از فناکاری جوانان مملکت‌مان در جنگ دفاعی صحبت کردم، بعضی‌ها نوشته‌اند پس چرا دولت‌آبادی درباره این آدم‌ها کتاب ننوشت، می‌خواهم بگویم که نوشته‌ام و سه سال است که این کتاب در مطبعی موجود است. اما اجازه نمی‌دهند منتشر شود و اسم آن کتاب هست «میریز بسمل شدن.» اگر جایی ایراد گرفته‌اند که چرا از اشخاص اسم برده‌ام، جواب این است که خواست‌ام به یاد بیاورم که کارهای خوب افراد جداست از قضاوت‌های سیاسی نسبت به ایشان. به هر حال دلیل دیگری که آن حس ناخشنودی را در آن جشن به من منتقل کرد این بود که محیط سینما در سال‌های اخیر برای من آشنابود. چنانچه پیشتر گفتیم، ۲۵سال است، کنج خادام هستم. بنا براین- عطف به سوال قبلی شما- چطور می‌توانم روشنفکر باشم؟ وقتی شما را از کار بر کنار می‌کنند معنی‌اش این است که منتهای می‌کنند از جامعه و متأسفانه این کار را با من کردند. شرط اصلی روشنفکر بودن در محیط بودن است. چون شما باید نبض جامعه دستت باشد. آلا احمد این گونه بود که با طریقه‌اش دیدیشدن کاری ندارم، اما مدام بین مردم بود. بقیه هم همین‌طور. حتی ساعدی بین مردم بود. ولی وضع من کمالا فرق می‌کند. و محیط هم فرق کرده نسبت به ۳۰ سال قبل که من نمی‌شناسمش. چون الان دقیقا ۲۵ سال است که کنج خانه هستم.

✎ **داستان‌های شما همواره در یک زمینه و بستر تاریخی اتفاق می‌افتد. چه وجهی از تاریخ با تجربه فردی شما گره خورده و به ادبیات بدل شده است؟**

همه تاریخ اجتماعی‌ما در روند تحول این ۴۰، ۵۰ساله، جزو تجربیات من است. برای اینکه من درون همه لایه‌های اجتماعی حرکت کرده‌ام. اصلا وقتی به کسی می‌گویم نویسنده معاصر، به اعتبار این است که او در تاریخ معاصرش زندگی کرده و آن

برگرفته‌ها و تاثیرات و تاثراتی که از زندگی معاصرش داشته به نحوی در اثرش بازتاب پیدا کرده است. من نمی‌توانم دقیقا آدرس بدهم که از کدام گوشه زندگی‌ام به کدام گوشه تاریخ وصل شده‌ام. اما می‌دانم که از مغز استخوان این زندگی آمدم‌ام و نمی‌توانم توضیح بدهم که در کجایه نوک انگشت این اندام وصل شده‌ام و در کجا به مغزش، نمی‌دانم، ولی واقعا وقتی فکر می‌کنم فقط می‌توانم بگویم که به نحوی یک نوع عبور و سلوک در این زندگی داشته‌ام و فکر می‌کنم ادبیات هر عصری متعلقا در بستر تاریخی جامعه منسوب به آن حرکت می‌کند.

✎ **از مشکلات ادبیات داستانی‌ما در سال‌های اخیر، یکی فقدان این بستر تاریخی در داستان‌های اخیر ماست. همانطور که فردیت هم حضور ندارد و آنچه هست بیشتر «خصوصی» است تا «فردی» و به همین دلیل به هیچ ر تاریخی و عمومی‌ای متصل نمی‌شود.**

این اصطلاح «خصوصی» که به کار بریدید، عجب اصطلاح جالبی است. به نظر من از یک جنبه محصول همان قرت ۲۰ ساله‌ای است که به آن اشاره کردم و پس آینده‌ای آن یعنی ادبیات ما تداوم پیدا نکرد و شرایط اجتماعی هم کمک کرد که افراد بروند به سمت آن به قول شما خصوصی‌نویسی. الان تا آنجا که من متعلقان‌های نویسدگان امروز‌مان را دنبال می‌کنم، نگرانی و دغدغه هم‌شان این است که چطور داستان بنویسیم؟ در حالی که نویسنده همیشه باید در فکر باشد که این چیزها را چگونه و کب بنویسم، که چگونه می‌توانم از عهده نوشتن‌شان بربیایم؟ خب شما وقتی دنبال این باشید که چگونه از عهده بربیایید، مدام هم در حال یادگیری هستید پس دو جور حرکت وجود دارد. یکی حرکت که طیبا وجه بیرونی هم به پیدا می‌کند یا خلق اثر و یکی هم حرکت از بیرون و تلاش برای رعایت درست قواعد بیرونی. البته نمی‌خواهم این حرکت دوم را نفی کنم. اما در حرکت از بیرون، ممکن است که فرد در همان صورت باقی بماند و بگوید من که همه قواعد را بلدم و همین‌جا همه چیز تمام شد. اینکه گفتیم من بین زبان و موضوع و سوال، در ادبیات، تفکیک قایل نیستم. نظرم به همین نکته است.

✎ **ادبیات داستانی این روزها‌ما دیگر به مفهوم کلاسیک، «مان» ندارد. تنها داستان‌بلندهایی نوشته می‌شود که تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند.**

اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می‌پسندم. کلا نظر - نوشته‌های او را می‌خوانم. اما ببینید، وقتی می‌گویم تسلسله‌ا، به آن رمان می‌گویند. این خلأ بسیاری را بر آن داشته که بر ضرورت رمان نویسی تاکید و توصیه کنند. اتفاقا من در نشتی که اخیرا در روزنامه شما چاپ شده بود و نشست خوبی هم بود، چنین چیزی پرسیدم و آنجا هم نکات مورد توجه رمان احمدی‌آریان را بیشتر شنیدیم و می